پيش‌نويس سند راهبردي طرح رُز

2 مرداد 1394

# ضرورت‌ها

بررسي تغييراتي كه سبك زندگي در جامعه اسلامي ايران داشته است، در دهه‌هاي اخير، حاكي از تحوّلاتي‌ست كه به نظر كارشناسان مي‌تواند آينده تكاملي جامعه را با مخاطراتي مواجه مي‌سازد.

تأكيدات سال‌هاي اخير مقام معظم رهبري بر آسيب‌شناسي سبك زندگي[[1]](#footnote-1) و رواج فرهنگ غربي[[2]](#footnote-2) و دستوري نبودن تحوّلات سبك زندگي و نياز مبرم به فرهنگ‌سازي[[3]](#footnote-3) و قرآن‌محوري در معماري سبك زندگي[[4]](#footnote-4) و همچنين نگاه جهادي به اصلاح سبك زندگي[[5]](#footnote-5) از يك‌سو اهميت و ضرورت موضوع مذكور را مي‌رساند و از سوي ديگر، حدود و ثغور و محورهاي فعاليت و نقش نخبگان و الگوها[[6]](#footnote-6) در آن را بيان مي‌كند.

سندي پيش از اين با عنوان «خاستگاه سبك زندگي»[[7]](#footnote-7) در تبيين ريشه‌هاي پديده سبك زندگي و عوامل پيدايش آن تنظيم شده است كه به عنوان مستندات مفروض در طرح رُز، مورد ارجاع قرار مي‌گيرد.

# موضوع طرح

طرح رُز درصدد است در مسير تحوّل صحيح سبك زندگي جامعه اسلامي ايران، به سوي تعالي و تكامل و پيشرفت دنيوي و اُخروي، آسيب‌ها و راه‌حل‌ها را بسنجد و از ارزيابي وضع موجود جامعه، با آن‌چه مطلوب است، برنامه‌اي براي تغيير و مدلي براي حركت و انتقال ارائه كند.

# اهداف

طرح رُز در صدد است اهداف ذيل را از طريق سامان دادن برنامه‌ها و پروژه‌هايي تأمين كند:

1. اولويت‌گذاري و حساسيت نخبگان و اهتمام آنان به آسيب‌هاي سبك زندگي
2. همگرايي و همكاري نخبگان در تحليل و طراحي سبك زندگي مطلوب اسلامي
3. روشن بودن موضع دين اسلام نسبت به هر كدام از عملكردها و فعاليت‌هاي خُرد زندگي
4. حركت الگوهاي اجتماعي تأثيرگذار در سبك زندگي جامعه ايراني به سوي سبك مطلوب
5. تبدّل پيوسته گروه‌هاي مرجع و حذف الگوهاي ناسالم و جايگزيني الگوهاي سالم در يك مكانيزم خودكار
6. حضور سرويس‌هاي يكپارچه خدماتي در عرصه سبك زندگي با مشاركت نهادهاي نظام
7. دسترسي آسان مردم به آگاهي‌ها و دانش‌هاي مورد نياز براي سامان‌‌دادن به فرهنگ شخصي و اجتماعي

# چشم‌انداز

ايران در سال 1414 جامعه‌اي‌ست پيشرفته و تكامل‌يافته مبتني بر ارزش‌هاي معنوي و الهي مأخوذ از قرآن و سنّت كه قادر است:

1. ارزش‌هاي متعالي اجتماعي را متناسب با نيازهاي جامعه، بر مبناي حجيّت، از منابع ديني استنباط نمايد.
2. شبكه تحقيقات و ارتباطات نخبگان و خواصّ را حول موضوعات مرتبط با سبك زندگي سامان دهد.
3. الگوهاي اجتماعي هم‌راستا با ارزش‌هاي فرهنگي را به صورت طبيعي در گروه‌هاي مرجع قرار دهد.
4. به صورت خودكار مانع نفوذ فرهنگ‌ها و ارزش‌هاي غيرمتناسب با ساختار جامعه اسلامي شود.
5. ارضاي نيازهاي معنوي و مادي افراد جامعه را به نحوي بسترسازي نمايد كه تأمين‌كننده آخرت و دنياي تك‌تك آنان باشد.

# چالش‌ها

بي‌ترديد هر تغيير و تحوّلي در جامعه با موانع و مخالفت‌هايي مواجه مي‌گردد؛ بخشي ناشي از عدم آگاهي كافي اعضاي جامعه است و قسمتي نيز به دليل غرض‌ورزي بيگانگان و معاندان با نظام كه منافع خود را ترجيح مي‌دهند. شناخت اين چالش‌ها براي سامان دادن يك طرح جامع ضرورت دارد.

## ضعف آگاهي‌هاي عمومي

آحاد افراد جامعه معمولاً به دليل عادت به سنّت‌ها و باورهاي فرهنگي، تغيير را به سختي مي‌پذيرند. آگاهي‌هاي آنان نيز با توجه به تهاجم صورت گرفته به عرصه فرهنگ، در سده‌هاي اخير، با نفوذ بيگانگان در كشور، دستخوش كاستي‌هايي شده است.

نخستين چالش روبه‌روي اهداف طرح رُز، مواجهه با اين عدم آگاهي‌ست.

## نقص دانش متخصّصين

گروهي از نخبگان جامعه نيز كه تحصيلات خود را در خارج از كشور گذرانده‌اند و پاره‌اي كه در داخل، لاكن به واسطه كتب منتشر شده در غرب، بعضي از آن‌ها به گفته‌هايي باور و ايمان‌يافته‌اند كه مانع پذيرش سبك زندگي اسلامي مي‌گردد. ناآگاهي آنان ناشي از شناخت سطحي از غرب و بي‌اطلاعي از عمق تهاجم فرهنگي‌ست.

## بي‌اطلاعي مسئولين

پاره‌اي از خواصّي كه اداره امور جامعه را بر عهده دارد، در ساحت‌ها و حوزه‌هاي مختلف، در ميان آنان افرادي يافت مي‌شوند كه اعتقاد به آرمان‌هاي نظام دارند و مصرّ به تحقّق كامل اسلام در نظام اجتماعي، اما با بي‌خبري از مكانيزم تحوّل و تطوّر سبك زندگي، با طرح‌هاي اصلاحي به مقابله بر مي‌خيزند.

گروهي از اين دسته حقيقتاً ناآگاهند كه با اطلاع‌رساني مناسب مي‌توان موافقت‌شان را جلب نمود، اما دسته‌اي نيز يافت مي‌شوند كه منفعت شخصي يا سازماني كوتاه‌مدت و زودبازده را بر منافع نظام اجتماعي ترجيح مي‌دهند. دسته اخير معمولاً مي‌دانند چه آثاري بر اصلاح و تغيير مترتّب است، ولي گذر از منافع را نمي‌پسندند. البته كه اگر اين گروه نيز نسبت به منافع سرشار اصلاح سبك زندگي و تغيير آن توجيه شوند، متوجه انتفاع عظيمي كه براي خود آنان در پي دارد شده، اميد است همگام با تحوّل پيش روند.

## محدوديت‌هاي ظرفيت اجتماعي

فراتر از همه تلاش‌ها، بخشي از ناتواني‌ها مربوط به هر عصر است كه نسبت به دوره‌هاي آتي دچار ضعف‌هاي جبري و محيطي و تاريخي‌ست.

همان‌طور كه درك امروز جامعه اسلامي از الزامات يك نظام اجتماعي سالم و ديني به صورت چشمگيري نسبت به گذشته برتري دارد، مي‌پذيريم كه آينده نيز با دركي فراتر از امروز همراه خواهد بود.

ما اين ظرفيت‌هاي اجتماعي را به رسميّت مي‌شناسيم و مي‌دانيم نمي‌توانيم به دستآوردي ماوراي آن دست يابيم. اين ناتواني نزد پروردگار معفوّ بوده و گمان بر اين است كه مورد بازخواست قرار نمي‌گيرد.

## اغراض بيگانگان و دول استثمارگر

از ديرباز كشورهاي اسلامي مورد بغض و كينه استعمارگران قرار داشتند و اغراض منفعت‌طلبانه اين دولت‌هاي استثمارگر اقتضا مي‌كرده تا جلوي هر تغيير صحيح و اصلاح مناسبي را بگيرند و با استفاده از ابزارهايي كه در اختيار دارند كار را بر مصلحان اجتماعي دشوار كنند.

# بيداري اسلامي

در آن‌سوي اين چالش‌ها، نظامي قرار دارد كه حدود سه دهه پيش توانست بر همه ضعف‌ها و ناتواني‌هايش غلبه نمايد و ابتدا طاغوت و ظلمه را از كشور خود بيرون نمايد و سپس دست استعمار را از جامعه خود كوتاه كند.

بيداري اسلامي كه با انقلاب اسلامي ايران آغاز شد ظرفيت آحاد جامعه را ارتقاء بخشيد و امكاني فراهم نمود كه بتوان با اتكا به آن، بر بسياري از چالش‌هاي پيش‌گفته فائق آمد.

بايستي با اتكال به خداوند متعال و يقين به نصرت و حمايت مادي و معنوي او، بر اين قوّت اجتماعي موجود و محقق صحّه گذاشت و آن را دستاويزي براي آغاز يك تحوّل بزرگ در سبك زندگي و شيوه زيستن قرار داد و جامعه را به سوي حيات طيبه سوق داد.

# اصول راهبردي

در اين مسير و با توجه به چالش‌هاي موجود، نكاتي را بايد در تمام طرح مدّ نظر داشت. گزاره‌هايي كه به عنوان اصل‌هايي غيرقابل خدشه، بايستي راهبرنده طرح به سوي اهداف ذكر شده باشند.

1. طرح رُز بايد درصدد بهره‌مندي از تمامي ظرفيت جامعه باشد و از خط‌كشي‌هاي جناحي و سياسي بگذرد و فراتر از بعضي تنگ‌نظري‌ها به موضوع سبك زندگي بنگرد. جامعه‌اي كه بمثابه يك كشتي، همه سرنشينانش در پايداري و هدايت آن سهم دارند، نمي‌تواند در اقدام براي بازسازي خود بخشي عمل نمايد. همه سازمان‌ها و نهادها بايستي در اين امر مهم مشاركت نمايند و نبايد اجازه داد رقابت‌هاي سياسي يا اقتصادي مانع همبستگي ملّي و نهادي در عرصه تحوّل سبك زندگي شود.
2. نگاه طرح رُز به نخبگان و خواصّ است؛ گروه‌هايي كه دانش و تخصص كافي براي طراحي و معماري سبك زندگي را دارند، ولي به دليل عدم ارتباط مناسب با يكديگر براي پژوهش، يا عدم ارتباط كارآمد با نهادهاي مجري براي كنترل نتايج پژوهشي و آزمون، يا عدم اعتماد نهادها از تأثيرگذاري مفيد بر جامعه دور مانده‌اند. بخشي از طرح رُز به گفتمان‌سازي نخبگاني در حوزه سبك زندگي معطوف خواهد بود.
3. تحليل عملكردهاي افراد بشر حاكي از آن بوده كه الگوبرداري از بعضي افراد خاصّ، رفتار عمومي جامعه را شكل داده و متأثر مي‌نمايد. اين افراد بر اساس شاخص‌هايي مانند شهرت و موفقيت شناسايي شده و توسط گروه‌هاي سني مختلف در جامعه به عنوان الگوي رفتاري مورد پذيرش قرار مي‌گيرند و به اين واسطه، سبك زندگي را تغيير مي‌دهند. طرح رُز بر اين پايه استوار است كه با تغيير رفتار گرو‌ه‌هاي مرجع، در صورت امكان، يا عزل اجتماعي و طبيعي و خودآگاه اين افراد و جايگزين كردن با افرادي ديگر، بتواند بر سبك زندگي مردم تأثير بگذارد. فرض بر اين است كه اگر ارزش‌هاي اجتماعي متحوّل شود، گروه‌هاي مرجع جاي خود را به گروه‌ها و افراد ديگري خواهند داد.
4. دستوري نبودن فرهنگ يكي از مهم‌ترين پايگاه‌هاي تغيير و تحوّل در عرصه سبك زندگي‌ست. آحاد جامعه نسبت به «نقشه براي فرهنگ» هميشه و پيوسته موضع منفي دارند و از كساني كه آگاهانه براي تغيير رفتارهاي آنان برنامه‌ريزي مي‌نمايند دوري مي‌كنند. فرهنگ بر «پذيرش» استوار است و طرح رُز قصد القاء يا اجبار افراد به تغيير رفتار را ندارد. اين گزاره قطعاً غلط است كه: «چادري كه به زور سرنيزه رضاقلدر برداشته شده، با سرنيزه باز مي‌گردد!». طرح رُز به گونه‌اي تدوين مي‌شود كه با ارائه ارزش‌هاي برتر، نگاه افراد به زندگي را تغيير مي‌دهد و اين نگاه جديد خودبه‌خود سبك ديگري از زندگي را به ارمغان مي‌آورد و تمام اين فرآيند تبدّل بايد با رضايت و خواست دروني افراد صورت پذيرد.
5. راهي كه بدون حجيّت طي شود، حركت بدون چراغ در تاريكي‌ست. هر تصميم و برنامه‌اي كه در طرح رُز مبناي عمل قرار مي‌گيرد، بايستي مبتني بر فقه شيعه بوده و مورد تأييد فقهاي عظام. دين يگانه مرجعي‌ست كه مي‌تواند نور كافي براي خروج بشر از ظلمات و تاريكي‌هاي دنيا را فراهم نمايد.
6. طرح رُز با مردم آغاز مي‌شود و به مردم ختم مي‌گردد. تغيير در بطن جامعه نمي‌تواند فارغ از ياري عناصر و اجزاء آن باشد. رُز برنامه‌هاي خود را بر حمايت مردمي بنيان مي‌نهد و كار را به دست آنان مي‌سپارد.
7. علي‌رغم اعتقاد به سوء نيّت بيگانگان نسبت به ماهيت نظام اسلامي، طرح رُز بر پايه استفاده از تمامي ابزارها و فن‌آوري‌هاي كارآ ريخته مي‌شود. در دنيايي كه دشمن مجهّز است، نمي‌توان ساده‌انگارانه و بدون تجهيزات متقابل عمل كرد.
8. بازتعريف نهادهاي اسلامي مهم‌ترين عملكرد آغازين طرح رُز است. مسجد، مدرسه، خانه، خانواده و نقش‌هاي آن، نياز به تعريف دوباره دارند؛ تعريفي اسلامي و متناسب با نيازهاي تكامل‌يافته و جديد، تا ظرفيت‌هاي تازه‌اي يافته،‌ وظايف بيشتري را بر عهده بگيرند.
1. يكي از ابعاد پيشرفت با مفهوم اسلامي عبارت است از سبك زندگي كردن، رفتار اجتماعي، شيوه‌ي زيستن - اينها عبارةٌ اخراي يكديگر است - اين يك بُعد مهم است... بايد آسيب‌شناسي كنيم؛ يعني توجه به آسيبهائي كه در اين زمينه وجود دارد و جستجو از علل اين آسيبها. چرا فرهنگ كار جمعي در جامعه‌ي ما ضعيف است؟ اين يك آسيب است... اينها بخشهاي گوناگوني از مسائل سبك زندگي است، و ده‌ها مسئله از اين قبيل وجود دارد؛ كه بعضي از اينهائي كه من گفتم، مهمتر است. اين يك فهرستي است از آن چيزهائي كه متن تمدن را تشكيل ميدهد. قضاوت درباره‌ي يك تمدن، مبتني بر اينهاست. ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ [↑](#footnote-ref-1)
2. يكي از خصوصيات فرهنگ غربي، عادي‌سازي گناه است؛ گناه‌هاي جنسي را عادي ميكنند. امروز اين وضعيت در خود غرب به فضاحت كشيده شده... فرهنگ غربي فقط هواپيما و وسائل آسايش زندگي و وسائل سرعت و سهولت نيست؛ اينها ظواهر فرهنگ غربي است، كه تعيين‌كننده نيست؛ باطن فرهنگ غربي عبارت است از همان سبك زندگي مادي شهوت‌آلودِ گناه‌آلودِ هويت‌زدا و ضد معنويت و دشمن معنويت. ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ [↑](#footnote-ref-2)
3. بنده طرفدار اين نيستم كه حالا در مورد لباس، در مورد مسكن، در مورد ساير چيزها، يكباره يك حركت جمعي و عمومي انجام بگيرد؛ نه، اين كارها بايد بتدريج انجام بگيرد؛ دستوري هم نيست؛ اينها فرهنگ‌سازي لازم دارد. همان طور كه گفتم، كار نخبگان است، كار فرهنگ‌سازان است. و شما جوانها بايد خودتان را براي اين آماده كنيد؛ اين، رسالت اصلي است. ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ [↑](#footnote-ref-3)
4. اگر در جوامع بشري قرآن حاكم باشد، هم سعادت دنيا هست، هم علوّ معنوي هست. راه سلامت را، راه امنيت را، راه امنيت رواني را قرآن به روي ما باز ميكند؛ راه عزت را قرآن به روي ما باز ميكند؛ راه زندگي درست را و سبك زندگي سعادت‌آميز را قرآن به روي ما باز ميكند. ما از قرآن دوريم. اگر با قرآن آشنا شويم، با معارف قرآن انس پيدا كنيم و فاصله‌ي خودمان را با آن چيزي كه قرآن براي ما خواسته است، بسنجيم، حركت ما سريع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف اين است. ۱۳۹۲/۰۳/۱۸ [↑](#footnote-ref-4)
5. جهاد اصلاح سبك زندگي كه عرض كرديم متن تمدن اسلامي اين [جهاد] است... ۱۳۹۲/۰۵/۰۱ [↑](#footnote-ref-5)
6. تهران، از يك طرف نماد آباداني، صلاح، سعادت و سبك زندگي در كشور است و از طرف ديگر به عنوان الگو و خط دهنده براي شهرهاي سراسر كشور، مطرح است. ۱۳۹۲/۱۰/۲۳ [↑](#footnote-ref-6)
7. در 17 تيرماه 1393 [↑](#footnote-ref-7)